



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت سالگرد قیام و سیاهکل راه نجات دیگری، جز یک انقلاب نیست

کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

مبارزه علیه طبقات ستمگر و بیدادگر، همواره در سراسر تاریخ بشریت ادامه داشته است. حتا وحشیانه ترین و بی رحمانه ترین سرکوب ها و کشتارهای طبقات حاکم نیز نتوانسته است، توده های تحت ستم را از مبارزه برای تحقق اهداف انسانی خود باز دارد. تاریخ بشریت سرشار از مبارزات قهرمانانه ستمدیکگانی است که شجاعانه علیه ستمگران مبارزه کردند و حماسه های جاویدان آفریدند.

در تاریخ مبارزاتی توده های ستمدیده مردم ایران نیز نمونه های فراوانی از این دست به ثبت رسیده است.

بهمن ماه، در این تاریخچه مبارزاتی، جایگاه ویژه ای دارد. ۲۲ بهمن، سالروز قیام مسلحانه ای است، که در سال ۱۳۵۷ بساط رژیم ستمگر شاه را از ایران برچید.

در صفحه ۳

انتخابات قلابی و ضددمکراتیک و تعمیق بحران در عراق

قوای اشغالگر آمریکایی - انگلیسی سرانجام روز ۳۰ ژانویه انتخاباتی را در عراق برگزار کردند و با یک مبداران رسانه ای گسترده مدعی شدند که گام دیگری برای استقرار دموکراسی در این کشور برداشته شد. اما میان تبلیغات روزنامه های پرشمارگان و رادیو و تلویزیون های دولتی یا وابسته به انحصارات مالی - نظامی، اظهارات بوش و بلر و بقیه طرفداران به اصطلاح دموکراسی صادراتی به ضرب توپ و تفنگ و کشتار تاکنون ۱۰۰ هزار نفر در عراق از یک سو و واقعیات از سوی دیگر تفاوت از زمین تا آسمان است!

ائتلاف جنگی امپریالیست های آمریکایی - انگلیسی در ابتداء وجود سلاح های کشتار جمعی و رابطه رژیم صدام حسین را با القاعده بهانه کرد و به عراق تجاوز نظامی و اشغالش نمود. ائتلاف مذکور پس از این که مطلقاً نتوانست چنین ادعاهایی را ثابت کند اعلام کرد که برای برقراری دموکراسی به عراق آمده است. این ادعا هم به سرعت رنگ باخت. اشغالگران برای برقراری دموکراسی موهوم خود دست به تقسیم قومی - مذهبی مردم عراق زدند و تقسیماتی چون کردها، شیعیان و سنیان را مطرح نمودند تا بر اساس راهکار کهنه ی استعماری تفرقه بیندازد و حکومت کن، سیاست های خود را به پیش ببرند. اشغالگران به تقویت گروه های شیعه و تشکلات گرد در خدمت خود پرداختند و گفتند که گروه های سنی طرفدار صدام حسین به عملیات «تروریستی» علیه قوای اشغالگر می پردازند یا این که تروریست هایی از خارج به عراق می آیند تا جلوی استقرار دموکراسی را بگیرند. جالب است، اشغالگران در مدت کوتاهی خود را «داخلی» و بقیه را «خارجی» نامیدند!

جمهوری اسلامی ایران که با اعلام «بی طرفی» عملاً به یورش نظامی به عراق و اشغال آن صحنه گذاشته بود از تقسیم مردم عراق به سنی و شیعه هم طرفداری کرد و مانند قوای اشغالگر برای برگزاری انتخابات ۳۰ ژانویه روزشماری نمود. این تنها قوای اشغالگر آمریکایی - انگلیسی نبودند که برای «موفقیت انتخابات» میلیاردها دلار هزینه کردند، جمهوری اسلامی نیز از جیب کارگران و زحمتکشان ایران میلیون ها دلار صرف تقویت لیست های انتخاباتی شیعیان نمود.

قلابی بودن انتخابات ۳۰ ژانویه در عراق زمانی بیش تر مسلح می گردد که به شرایط برگزاری اش نظری افکند.

روزنامه ی نیویورک تایمز روز ۷ ژانویه به نقل

در صفحه ۲

فشار سیاسی - تبلیغاتی دولت آمریکا بر جمهوری اسلامی

سران قدرت های امپریالیست جهانی به منظور حصول به سازش برسر مسائل مورد اختلاف دو بلوک امپریالیستی اروپایی و آمریکایی و نیز مذاکرات وی با سران اسرائیلی و فلسطینی برای واداشتن آنها به نوعی از سازش، بازتاب این تحریکات سیاسی و دیپلماتیک جدید آمریکاست.

اما همزمان با این تحریکات، دولت آمریکا، دور جدیدی از حملات تبلیغاتی و سیاسی خود را علیه حکومت اسلامی حاکم بر ایران نیز آغاز نموده است.

در پی انتخابات عراق، زمامداران دولت آمریکا، دست به یک رشته تحریکات سیاسی و دیپلماتیک جدید در اروپا و خاور میانه زده اند تا بدین طریق بتوانند از دامنه معضلاتی که در عراق با آن روبرو هستند بکاهند و آمریکا را از انفراد بین المللی که در پی اشغال عراق به آن گرفتار آمده است، نجات دهند.

گفتگوهای وزیر خارجه آمریکا با سران دولت های اروپایی رقیب آمریکا به منظور متقاعد ساختن آنها به گذشت از اختلافاتی که برسر راه اشغال نظامی عراق پیش آمد و تدارک اجلاسی از

در صفحه ۸

هنوز هیچیک از مطالبات پرستاران و معلمان برآورده نشده است

فعالین این جنبش ها، کوشیده است پرستاران و معلمان را مرعوب سازد و آنها را از پیگیری مطالبات و تداوم مبارزات خود، منصرف سازد. اما پرستاران و معلمان که بارها و بارها ناظر وعده های پوچ و توخالی مسئولین و نهادهای

در صفحه ۶

علی رغم اجتماعات اعتراضی و اعتصابات پی در پی و متعدد پرستاران و معلمان سراسر کشور طی دو سه سال اخیر، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بی اعتنا به خواست جنبش های اعتراضی معلمان و پرستاران، تاکنون هیچیک از مطالبات این دو قشر زحمتکش را برآورده نساخته است. در برابر این اعتراضات و اعتصابات حق طلبانه، جمهوری اسلامی سیاست همیشگی خود را به کار بسته و توأمان با سرکوب و فریب به مقابله با آن برخاسته است. بعد از هر اقدام و اجتماع اعتراضی این دو قشر زحمتکش، بلافاصله مشتی و عده تحویل آنان داده است و با اتخاذ و عملی ساختن یک رشته اقدامات فریبکارانه، ارتجاعی و سرکوبگرانه، از یک سو سعی نموده است در میان اعتراض کنندگان تفرقه و دو دستگی ایجاد کند و از سوی دیگر با توسل به زور و ارعاب و تهدید و حتا بازداشت و حبس

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعاتی ها
- ۶ و بیانیه های سازمان

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارگران ایران کنف

روزیکنشبه چهارم بهمن، کارگران کارخانه "ایران کنف" واقع در استان گیلان، بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر خانه کارگر، خواستار تحقق مطالبات خود شدند. این کارگران بیش از ۱۵ ماه است حقوق نگرفته اند. در حال حاضر برق این کارخانه قطع است، مواد اولیه برای راه اندازی کارخانه وجود ندارد و کارگران همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند. شایان ذکر است که اداره کار استان، حکم بازگشت به کار کارگران ریسندهی "ایران کنف" را صادر نموده است، اما این رای هیچگاه مورد پذیرش کارفرما قرار نگرفته است.

تجمع کارگران معدن

کارگران معدن پارس کینج مازند، روز چهارم بهمن در برابر اداره کار و امور اجتماعی شهرستان سواد کوه، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. قابل ذکر است که بر اثر ریزش تونل، کارفرما به اجبار کارگران را یک هفته بیکار نموده و دستمزد آنان را نپرداخته است. پس از تجمع اعتراضی کارگران، رئیس اداره کل کار و امور اجتماعی سوادکوه، قول داد دستمزد کارگران پرداخت شود. شرکت معدن پارس کینج مازند، وابسته به شرکت البرز مرکزی است و کارکنان از حداقل های ایمنی محیط کار نیز محرومند.

اعتصاب و اجتماع اعتراضی کارگران کاشی حافظ

پس از به اصطلاح نوسازی و بازسازی کارخانه کاشی حافظ شیراز، کارفرمای این کارخانه در صدد اخراج ۴۰۰ کارگر از ۱۰۰۰ کارگر این کارخانه بر آمد و این موضوع را به کارگران اعلام کرد. کارگران اخراجی که اکثر آنان بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند، در اعتراض به این تصمیم دست به اعتراض و تجمع زدند و در ادامه این اقدام اعتراضی، سایر کارگران به نشان حمایت و پشتیبانی از همکاران خود، روز هفتم بهمن ماه دست از کار کشیدند و خواستار بازگشت به کار کارگران اخراجی شدند.

به دنبال این اجتماع و اعتصاب یکپارچه کارگران، نیروهای انتظامی و یگانهای ویژه ضد شورش به محل کارخانه اعزام می شوند که با حمله به کارگران شماری را مضروب و شمار دیگری را نیز دستگیر می کنند. از نتیجه نهائی این اقدام اعتراضی هنوز خبری در دست نیست.

راه پیمانی اعتراضی کارگران "تساجی پارس ایران"

بیش از ۸۰ کارگر "تساجی پارس ایران" در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و بی توجهی مسئولین به خواست ها و مطالبات کارگران، روز چهارشنبه ۱۴ بهمن در محل کارخانه یک اجتماع اعتراضی برپا کرده و سپس

در صفحه ۵

شیعه مانند محمد اسحاق فیاض و علی سیستانی تغییر موضع ناگهانی نداده اند، آنان در ماه مارس ۲۰۰۴ نیز همین خواسته را مطرح کرده بودند به طوری که در «قانون اساسی موقت» که توسط شورای حکومتی منصوب شده ی اشغالگران امپریالیست و زیر نظر پل برمر تهیه و تصویب شد، آمده است: «اسلام دین رسمی حکومت در عراق است و باید در قانون گذاری مد نظر قرار بگیرد. هر قانونی که مفاهیم اسلامی را نادیده بگیرد، نباید پذیرفته شود.»

انتخابات ۳۰ ژانویه در عراق از جنبه ی دیگری هم مخدوش به نظر می رسد و آن هم از لحاظ تعداد شرکت کنندگان در آن است. رسانه ها ارقام و امار مختلفی را ارائه دادند که تعداد شرکت کنندگان در انتخابات بین ۷۰ تا ۴۰ درصد در نوسان بودند. نیروی فراوانی صرف شرکت عراقیان مهاجر و تبعیدی شد و حتی گفته شد که جمهوری اسلامی توانسته است در ایران انتخابات دمکراتیکی برای عراقیان مهاجر برگزار کند، رژیمی که در ربع سده حکومتش یک انتخابات داخلی نیمه دمکراتیک هم برپا نکرده است.

بر اساس گزارش برخی از رسانه ها در روز ۲ فوریه، کمیسیون انتخاباتی عراق که مانند دیگر ارگان های حکومتی توسط اشغالگران آمریکایی منصوب شده میزان شرکت کنندگان را ۵۷٪ واجدان حق رأی اعلام کرده است، این در حالی ست که در شهر ۲۰۰ هزار نفری سامره فقط ۱۴۰۰ تن به پای صندوق های رأی رفتند.

برخی از محافل نزدیک به اشغالگران سپس اعلام کردند که درصد پایین شرکت کنندگان در انتخابات به علت عدم امنیت بوده است، اما این نیز ادعایی واهی و بی اساس است، زیرا اگر در داخل عراق نزدیک یا بیش از نیمی از مردم در انتخابات شرکت نکردند در خارج عراق هم که تمام تسهیلات برای رأی گیری از مهاجران و تبعیدیان عراقی مهیا بود رقمی در حدود ۲۵٪ یا یک چهارم حائزان حق رأی در انتخابات شرکت کردند.

به زودی دو سال از یورش نظامی به عراق و اشغال آن خواهد گذشت. ده ها هزار نفر از مردم عراق تاکنون در این تجاوز وحشیانه جان خود را از دست داده اند و خانه و کاشانه اشان تخریب شده است. اشغالگران آمریکایی که هر ماه میلیاردها دلار صرف پشتیبانی و تأمین نیروهای نظامی خود می کنند هم زمان منابع ملی عراق را در اختیار انحصارات خود گذاشته اند که آن ها را تاراج کنند. اکثریت مردم عراق نه فقط قادر نیستند مایحتاج اولیه خود را تأمین کنند، بلکه هنوز برق و آب هم ندارند. تضادهایی که دیکتاتوری خونین صدام حسین نه خواست و نه توانست حل کند و آن ها را ژرف تر و لاینحل تر نمود توسط اشغالگران و دولت دست نشانده اشان تعمیق شده است. اکنون سیاست های ارتجاعی تر دیگری از قبیل جنگ داخلی یا تجزیه و تکه تکه کردن عراق در دستور کار امپریالیست ها قرار گرفته است تا بتوان از این طریق بر تمام عراق یا تکه های آن استیلا یافت. انتخاباتی که روز ۳۰ ژانویه برگزار شد انتخاباتی قلابی و ضددمکراتیک بود که تنها می توانست با کوشش اشغالگران و نیروهای واپسگرای منطقه از قبیل

در صفحه ۴

از صفحه ۱ انتخابات قلابی و ضددمکراتیک و تعمیق بحران در عراق

از یکی از فرماندهان ارتش آمریکا در عراق که ژنرال توماس متر نام دارد نوشت: «در ۴ استان از ۱۸ استان امنیت کافی برای برگزاری انتخابات وجود ندارد.» از قضا در این چهار استان که عبارتند از بغداد و انبار و موصل و صلاح الدین یک دوم جمعیت عراق زندگی می کنند.

گروه های سیاسی که در انتخابات شرکت کردند لیست هایی را معرفی نمودند که حتا نام نامزدان در آن ها نوشته نشده بود یا نام اشخاصی بود که خود نامزد نبودند! مثلاً در لیست حمایت شده از سوی آیت الله علی سیستانی فقط عکس او دیده می شد، کسی که خود به علت تابعیت ایرانی اش حائز حق رأی نبود! در لیست دیگری بدون نامی از نامزدان، تصویر قاسم رئیس جمهور درگذشته ی عراق از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ به چشم می خورد و یک تشکل به نام فدراسیون عمومی جوانان عراق روی آفیش های انتخاباتی خود تصویری از رونالدینو، فوتبالیست برزیلی را چاپ کرده بود! یک روحانی دیگر به نام مقتدا صدر که مدتی با ارتش مهدی اش به نیروهای اشغالگر حمله می کرد و سپس با میانجی گری آیت الله های شیعه آرام گرفت، اعلام کرده بود که در انتخابات شرکت نخواهد کرد، اما سرانجام معلوم شد که گروه وی نیز با لیستی به نام نخبگان ملی عراق در انتخابات شرکت کرده و برعکس لیست سیستانی نام صدر در آن نیامده است.

اشغالگران آمریکایی - انگلیسی برای این که آب و رنگ دمکراتیک به انتخابات بزنند همچنین اعلام کرده بودند که ناظران بین المللی بر آن نظارت خواهند کرد، اما همین ناظران بین المللی تعدادشان فقط ۲۰ نفر بود و به علت عدم امنیت در حوزه های رأی گیری، در امان، پایتخت اردن مستقر شده بودند. نکته ی دیگر هم این که رسانه های تصویری فقط اجازه یافتند از ۵ مرکز رأی گیری که عمدتاً در جنوب عراق قرار داشتند فیلم برداری کنند و تمام خبرهای دیگر روز انتخابات توسط اشغالگران آمریکایی - انگلیسی از صافی گذشتند. به هر حال شرایط برگزاری انتخابات چنان آشفته بود که روزنامه گاردین روز ۳۱ ژانویه به نقل از رئیس دفتر فرستاده ویژه سابق سازمان ملل متحد برای عراق نوشت: «ابتدائی ترین اصول برگزاری انتخابات چنان زیرپا گذاشته شدند که اگر به همین شیوه در سوریه و زیمبابوه عمل می گشت، آمریکا و انگلستان سردمدار معترضان می گشتند.»

نتایج نهایی انتخابات یک هفته پس از برگزاری اعلام نشده است، اما بر اساس آرای شمارش شده و همان گونه که انتظار می رفت گروه های شیعه در رأس قرار گرفته اند. آیت الله ها هم که قبلاً گفته بودند نمی خواهند در عراق رژیمی مانند جمهوری اسلامی مستقر شود با اتکاء به همین آرای شمارش شده اعلام کردند که حکومت عراق و قانون اساسی اش باید اسلامی باشد و قوانین دیگر نیز باید تماماً شرعی باشند. البته بر خلاف آن چه رسانه های بزرگ می گویند آیات عظام

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت سالگرد قیام و سیاهکل

راه نجات دیگری، جز یک انقلاب نیست

بهمن ماه، یادآور رویدادهای مبارزاتی دیگری نیز هست. حماسه سیاهکل نیز نمونه دیگری از مبارزات برجسته و جاودانه علیه ستمگران حاکم بر ایران است. در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، در شرایطی که رژیم شاه با اختناق و سر نیزه، سکوت مرگباری را بر ایران حاکم ساخته بود، گروهی از پیشروترین و آگاهترین فرزندان مردم زحمتکش و ستمدیده، به نام چریک های فدائی خلق، به نبرد حماسی و قهرمانانه با رژیم ستمگر حاکم بر ایران برخاستند.

این قهرمانان مدافع سوسیالیسم و آزادی، با بورس نظامی به پاسگاه سیاهکل و برافراشتن پرچم نبرد مسلحانه با رژیم شاه، سکوت مرگبار رادر هم شکستند. آنها در این نبرد حماسی جان باختند، اما صغیر گلوله هایشان که انعکاسی از خشم و اعتراض مردم زحمتکش و ستمدیده علیه رژیم شاه بود، به سرعت در سراسر ایران پیچید. شور و اشتیاق به مبارزه علنی وسعت گرفت. گروه، گروه به صفوف چریکهای فدائی پیوستند تا مبارزه ای را که از سیاهکل آغاز شده بود، ادامه دهند.

رژیم شاه بر شدت سرکوب و کشتار افزود، تا مگر شعله ای را که برافروخته شده بود، خاموش کند. اما مقاومت و ایستادگی سازمان ما نیز فروز تر شد. دیری نپایید که رژیم شاه با بحرانی جدی روبرو گردید. این بار نه دهها، صدها و هزاران، بلکه میلیون ها تن از توده های مردم ایران به نبرد آشکار با رژیم حاکم برخاستند و با قدرت لایزال خود، رژیم ستمگر شاه را از اریکه قدرت به زیر کشیدند. رژیم شاه، با مبارزه قهرمانانه کارگران و زحمتکشان ایران، سرنگون شد. با این وجود، اهدافی که سیاهکل به خاطر آنها جاوانه شد، تحقق نیافت.

اهداف و آرمان های بنیانگذاران سازمان ما، استقرار جامعه ای انسانی در ایران بود که در آن توده های کارگر و زحمتکش بر سرنوشته خویش حاکم گردند. به اختناق، ستم، استعمار و بی عدالتی پایان داده شود و شهروندان آزاد جامعه در رفاه و خوشبختی زندگی کنند. اما با سرنگونی رژیم شاه، ارتجاعی هارتر جای آن را گرفت. چرا چنین شد و اهداف و آرمان های سازمان ما، که همانا اهداف و آرمان های توده های کارگر و زحمتکش است، نتوانست تحقق یابد؟

اختناق، دیکتاتوری و سرکوب، همواره سلاح مخرب طبقات حاکم برای نگهداشتن توده مردم در ناآگاهی و انقیاد بوده است. رژیم شاه با سلب ابتدائی ترین حقوق مدنی و سیاسی مردم ایران و برقراری رژیم اختناق توده مردم ایران را در ناآگاهی و پراکنندگی نگهداشته بود. طبقه کارگر ایران که بار اصلی انقلاب را بردوش کشید، امکان نیافته بود که به عنوان یک طبقه آگاه به منافع طبقاتی خود، متشکل گردد و انقلاب را تحت رهبری خود به فرجام پیروزمندش برساند. لذا مرتجعین توانستند با دیگر قدرت رابه دست بگیرند، انقلاب رادرهم شکنند و شرایطی وحشانه تر از گذشته را به مردم ایران تحمیل کنند.

فجایع بی شماری که رژیم جمهوری اسلامی در طول یک ربع قرن گذشته در ایران به بار آورده است، عریان تر و وحشتناک تر از آن هستند که به بازگوئی آنها نیاز باشد. توده های مردم ایران، در طول این یک ربع قرن حاکمیت ارتجاع اسلامی بر ایران، روز مره با جنایات و ستمگری های رژیم جمهوری اسلامی روبرو بوده اند.

کارگران و زحمتکشان! زنان و مردان مبارز!

با درس آموزی از تمام تجاربی که در این سال ها به دست آمده است، دیگر نباید اجازه داد که مرتجعین سرنوشته مردم را در دست خود داشته باشند. سازمان ما که با ۱۹ بهمن، سالروز حماسه سیاهکل، قدم به سی و پنجمین سال فعالیت مبارزاتی خود می گذارد، همواره در طول دوران موجودیت خود، برای تحقق اهداف و آرمانهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی، با مرتجعین حاکم بر ایران مبارزه کرده و به مبارزه ادامه خواهد داد.

سازمان ما در سراسر دوران حیات خود، همواره تلاش کرده است از منافع طبقه کارگرواز موضع این طبقه از منافع و خواست های تمام زحمتکشان و ستمدیدگان دفاع کند. ما به عنوان فدائیان اقلیت در زمره نخستین جریاناتی بودیم که از همان آغاز، ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی را برملا کردیم و به مبارزه علیه آن برخاستیم. جمهوری اسلامی صدها تن از رفقای فدائی ما را به جوخه اعدام سپرد و هزاران تن را در شکنجه گاههای خود به بند کشید. اما مبارزه ما همچنان پیگیرانه ادامه یافت.

سازمان ما در طول این سال ها، همواره کوشیده است در دفاع از خواست ها و منافع توده های زحمتکش مردم، تلاش های ارتجاعی طبقه حاکم را برای فریب مردم برملا کند. از همین رو، سازمان فدائیان (اقلیت) نخستین سازمانی بود که با به قدرت رسیدن خاتمی و توهم پراکنی طبقه حاکم در مورد «اصلاحات» تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، ماهیت سراپا فریبکارانه آن را برملا کرد و آن را یک توهم و فریب اعلام نمود.

پس از آشکار شدن شکست «اصلاحات» بر همگان، برخی گروههای وابسته به طبقه حاکم سرمایه داران در ایران، تلاش نمودند، مبارزات توده های مردم را علیه رژیم، به طریقی دیگر منحرف سازند و امپریالیسم آمریکا و جنگ را نجات بخش مردم ایران معرفی کنند. سازمان ما در زمره سازمان هایی بود که از همان آغاز ماهیت تجاوزگرانه، توسعه طلبانه، جنگ طلبانه و ضد دموکراتیک سیاست های امپریالیسم آمریکا را افشاء کرد و اعلام نمود که امپریالیسم آمریکا جز جنگ، کشتار، نابودی و ویرانی، ارمانی برای مردم ایران نخواهد داشت. این توده های مردم ایران هستند که با مبارزه خود، سرنوشته جمهوری اسلامی را همچون رژیم شاه تعیین خواهند کرد. در پی وحشی گری ها و جنایات بی شمار امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در عراق، این تلاش مرتجعین ایرانی طرفدار امپریالیسم آمریکا نیز خنثا شد.

اکنون گروههای متعدد و وابسته به طبقه سرمایه دار در ایران، به یک فریب و توهم پراکنی دیگر روی آورده اند. آنها برای مقابله با انقلاب توده های کارگر و زحمتکش ایران برای سرنگونی رژیم، شعارهایی نظیر رفراندوم و مجلس مؤسسان را سر می دهند.

سازمان ما، پیگیرانه ماهیت این شعارهای گروههای وابسته به طبقه حاکم سرمایه دار را برملا نموده و بار دیگر بر این حقیقت تاکید نموده است که راهی برای نجات توده های مردم ایران جز یک انقلاب و سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی وجود ندارد. نیروی محرکه و اصلی این انقلاب نیز طبقه کارگر ایران است. طبقه کارگر اما نه برای استقرار نهادهایی که سازمان های مدافع منافع طبقه سرمایه دار به نام دموکراسی، شعار آن را سر می دهند، بلکه برای استقرار یک نظام شورائی در ایران مبارزه می کند که توده های زحمتکش مردم بتوانند ابتکار عمل را در دست داشته باشند، بر سرنوشته خویش حاکم گردند و دیگر هیچ مرتجعی نتواند قدرت را از چنگ آنها در آورد.

سازمان فدائیان (اقلیت) از این خواست طبقه کارگر و توده های زحمتکش دفاع می کند و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری فوری یک حکومت شورائی مبارزه می کند. استقرار حکومت شورائی هدف فوری سازمان ما برای دگرگونی های انقلابی در ایران و گذار به یک جامعه انسانی سوسیالیستی است. سازمان فدائیان (اقلیت) بار دیگر در سالروز قیام و سیاهکل بر اجتناب ناپذیری یک انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق مطالبات اساسی توده های مردم ایران تاکید می کند. راهی نیست جز این که ما توده های کارگر و زحمتکش ایران، با برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی، توسل به تظاهرات توده ای و قیام مسلحانه، رژیم ستمگر جمهوری اسلامی را نیز همانند رژیم شاه از اریکه قدرت به زیر کشیم و این بار خود ما توده های کارگر و زحمتکش باشیم که قدرت را به چنگ آوریم و به اهداف و آرمان هایمان جامه عمل پوشیم.

گرامی باد سالروز قیام و سیاهکل

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بر قرار باد حکومت شورائی

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان فدائیان (اقلیت) - بهمن ماه ۱۳۸۳

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی



اعتصاب کارگران در اسکاتلند

روز ۲۶ ژانویه کارگران خطوط مترو در شهر گلاسکو دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. خواست اعتصابیون تجدید قرارهای دسته جمعی افزایش دستمزدها و تعطیلات سالانه است. نمایندگان کارفرما ضمن مخالفت با هر گونه افزایش تعطیلات اعلام کردند که دستمزدها تنها به میزان ۶٪ افزایش می یابد. افزایش دستمزدها به این میزان به هیچ عنوان پاسخگوی هزینه زندگی کارگران نبوده و اعتصاب روز ۲۶ ژانویه پاسخ کارگران به این پیشنهاد کارفرما بود. در این روز حمل و نقل دهها هزار مسافر به کلی متوقف شد و اعتصابیون با پخش اعلامیه در مقابل ایستگاههای مترو، ضمن افشای اجحافات دولت از مردم خواستند که از این حرکت پشتیبانی کنند.

اعتصابات کارگران فیات در ایتالیا

روز ۲۷ ژانویه کارگران کارخانه خودروسازی فیات در Miafiori دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. اوایل سال جاری مدیریت این کارخانه اعلام نمود که تا پایان اسامال، ۵ خط تولید با ظرفیت ۲۵۰ هزار خودرو در سال به ایران انتقال خواهد یافت. پخش این خبر موجی از نگرانی را در میان کارگران دامن زد چرا که همه میدانند که نتیجه مسبق این کار چیز دیگری جز اخراج صد ها کارگر در ایتالیا خواهد بود. اعتصاب روز ۲۷ فوریه اولین حرکت اعتراضی کارگران برای مقابله با این تصمیم مدیریت و توقف انتقال بخشی از تولید به ایران بود.

اعتصابات کارگران در قطر

روز ۲۹ ژانویه، نزدیک به ۷۰ نفر کارگر یک شرکت حمل و نقل در قطر، که اغلب از مهاجرین آسیای شرقی هستند، دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این کارگران از دستمزدهای ناچیز خود ناراضی بوده و خواستار افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار طاقت فرسای خود شدند. این اعتصاب با تجمع کارگران در مقابل دفتر مرکزی این شرکت آغاز شد و هنوز چند ساعتی از آن نگذشته بود که بخشی از کارگران دیگر قسمتها به اعتصابیون پیوستند. با افزایش تعداد کارگران نمایندگان مدیریت به تلاشهای خود برای خاتمه دادن به این اعتصاب افزوده و سرانجام پس از یکروز مذاکره، نمایندگان کارفرما با خواسته های اعتصابیون موافقت کرده و این حرکت با پیروزی کارگران خاتمه یافت.

اعتصابات معلمان نیکاراگوئه

روز ۲۹ ژانویه، بیش از ۲۰ هزار معلم مدارس ابتدایی در سراسر نیکاراگوئه یک اعتصاب

نامحدود را آغاز کردند. مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی از ماه دسامبر سال گذشته آغاز شد و به سرعت مشخص شد که این مذاکرات نتیجه ای در بر نخواهد داشت. در حالیکه معلمان خواستار بهبود شرایط کار، افزایش هزینه های آموزشی و افزایش دستمزدهای خود به میزان ۱۰۰٪ بودند، مقامات دولت اعلام نمودند که تنها دستمزدها به میزان ۲۰٪ افزایش می یابد و دیگر هیچ. به این ترتیب اعتصاب معلمان آغاز شد. میانگین حقوق معلمان مدارس ابتدایی در نیکاراگوئه حدود ۸۰ دلار در ماه است که پائین ترین حقوق در میان معلمان کشورهای آمریکای مرکزی است که نمی تواند حتی پاسخگوی بخش ناچیزی از هزینه های سنگین زندگی باشد. اعتصابیون اعلام نمودند که افزایش ۱۰۰ درصدی دستمزدها متناسب با نرخ تورم افسار گسیخته این کشور بوده و پیشنهاد دولت مبنی بر افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها به هیچ عنوان پاسخگوی مشکلات معلمان نخواهد بود.

افزایش ساعات کار کارگران زمینس

شرایط وخیم اقتصادی افزایش بی سابقه بیکاری در آلمان را به همراه داشته است. هم اکنون تعداد بیکاران در این کشور به مرز ۵ میلیون نفر رسیده که از زمان جنگ دوم جهانی تا کنون بی سابقه است. سرمایه داران آلمان هم از این فرصت حداکثر استفاده را کرده و تلاش دارند تا دستاوردهای مبارزاتی کارگران را یکی پس از دیگری باز پس بگیرند. آخرین نمونه از این دست تلاشها افزایش ساعات کار در ۱۲ کارخانه زمینس است. در اواخر ماه ژانویه، ۸ هزار کارگر زمینس، همانند همزنجیران خود در دهها کارخانه دیگر، خیردار شدند که وضعیت مالی این شرکت وخیم است و راه چاره ای هم که مدیریت در نظر دارد یا انتقال تولید به کشورهای با نیروی کار ارزان و یا ماندن این کارخانجات در آلمان به شرط افزایش ساعات کار و انجماد دستمزدها در ۴ سال آینده است. در اینجا هم کارگران و ادار شدند برای حفظ اشتغال از افزایش دستمزد ها عجلتا صرف نظر کنند. در مقابل سرمایه داران وعده دادند که این کارخانجات حداقل تا سال ۲۰۰۹ در آلمان باقی بماند. نکته قابل توجه اینکه کارگران در سال ۱۹۸۴ پس از یکرشته حرکات اعتراضی و اعتصاب موفق به تقلیل ساعات کار هفتگی از ۳۷ ساعت به ۳۵ ساعت شدند. اما اکنون تحت فشار سرمایه داران و ادار می شوند که گامی به عقب برداشته و بدون افزایش دستمزدها ساعات کار هفتگی خود را به ۳۷ ساعت افزایش دهند. سال گذشته نیز بخش دیگری از کارگران زمینس افزایش ساعات کار هفتگی به ۴۰ ساعت را به اخراج و بیکاری ترجیح دادند.

اعتصابات کارگران فورد در آمریکا

دهها هزار کارگر کارخانجات خودروسازی فورد در آمریکا با شرایط دشواری مواجهند. سرمایه داران از یک سو حق بیمه درمانی و بازنشستگی کارگران را به هر قیمت ممکن کاهش می دهند و از سوی دیگر کارخانجات را

یکی پس از دیگری تعطیل کرده و تولید را به کشورهای با نیروی کار ارزان انتقال می دهند. این اوضاع کارگران را به مبارزه ای همه جانبه و مستقیم با سیاستهای ضد کارگری سرمایه داران سوق داده است. در همین حال مدیریت این شرکت اعلام نمود که در حال انتقال بخشی از تولید به مناطق شمالی مکزیک است که بیکاری هزاران کارگر را در آمریکا در پی خواهد داشت. همزمان با انتشار این خبر کارگران مطلع شدند که مدیریت این شرکت به دور از چشم آنان در حال بررسی تعطیل یکی دیگر از کارخانهای خود است. این اقدامات خشم کارگران را برانگیخته و در همین رابطه روز ۲۱ ژانویه صد ها نفر از کارگران معترض به سیاستهای صاحبان این مجتمع عظیم صنعتی در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در شهر Dearborne در ایالت میشیگان تجمع نموده و خواستار توقف این سیاستها شدند. این حرکت اعتراضی چند ساعت به طول انجامید و کارگران، برغم سرمای شدید، با پخش هزاران اطلاعیه صدای اعتراض خود را به گوش مردم رسانند.

از صفحه ۲

انتخابات قلابی و ضددمکراتیک و ...

جمهوری اسلامی انجام شود. این انتخابات نه فقط کمکی به حل بحران عراق نخواهد کرد که آن را باز هم پیچیدهتر نموده و به تضادهای جامعه دامن خواهد زد. خطر استقرار یک حکومت دیکتاتوری اسلامی با انتخابات فرمایشی مذکور قوت گرفته است.

تجاوز نظامی و اشغال عراق، تعیین یک حکومت دست نشانده و زد و بندهای آشکار و پنهان با نیروهای مرتجع جمعی همچون جمهوری اسلامی تماما نشان می دهند که امپریالیسم هار و درنده ی آمریکا شکستی خفت بار در عراق خورده است. اگر مردم عراق می خواهند که جنگ و کشتار از این کشور رخت برینند و یک راه حل دمکراتیک برای حل معضلات و تضادهای در هم تنیده ی جامعه بیابند، هیچ چاره ای ندارند که به دور از تقسیمات ارتجاعی قومی و مذهبی و غیره متحداً وارد عمل مستقیم شده و خود اداری امورشان را به دست گیرند.

کمک مالی

هامبورگ مازیار ۶۰ یورو

سوئیس

فدایی کبیر حمید اشرف ۱۰۰ فرانک
پابلو نرودا ۱۰۰ فرانک
جهانگیر قلعه میانداوب ۱۰۰ فرانک
منصور اسکندری ۱۰۰ فرانک

اخباری از ایران

به طرف دفتر نماینده ولی فقیه در رشت، دست به راه پیمائی زدند. کارفرمای شرکت بیش از ۹ ماه است دستمزد کارگران را نپرداخته است. کارگران نساجی هشدار دادند چنانچه به خواست آنان رسیدگی و مطالباتشان پرداخت نشود، یک راهپیمائی طولانی به سمت تهران را آغاز خواهند کرد.

اعتصاب کارگران کفش گام

بیش از صد نفر از کارگران کفش گام، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود و در مخالفت با تعطیلی این واحد، روز دوازده بهمن دست از کار کشیدند. کارگران کفش گام، خواستار پرداخت حقوق های معوقه و ضمانت شغلی هستند.

تجمع اعتراضی کارگران قطعات فولادی کرج

کارگران قطعات فولادی ایران واقع در کرج، روز چهارشنبه ۱۴ بهمن، بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر این شرکت، خواستار حقوق و مزایای معوقه و سایر مطالبات خود شدند. بیش از دوماه است، حقوق های کارگران پرداخت نشده است. افزون بر این، کارفرما مدت دوماه است هزینه بیمه درمانی کارگران را به سازمان تامین اجتماعی نپرداخته است و سازمان یاد شده نیز از تمدید دفتر چه بیمه کارگران خودداری می کند. از ۷۵۰ کارگر این شرکت، بیش از ۵۰۰ کارگر طی دو سه سال اخیر به اجبار باز خرید شده اند، باقی مانده کارگران نیز، نگران آینده شغلی خود می باشند. کارگران در تجمع اعتراضی خود علاوه بر پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، خواهان ضمانت شغلی خود شدند. این تجمع با دخالت نیروهای سرکوبگر امنیتی و انتظامی خاتمه یافت.

تجمع اعتراضی کارکنان فنی هواپیما

به دنبال اعتراض مهمانداران هواپیمائی جمهوری اسلامی و عدم تحقق مطالبات آنها، کارکنان فنی هواپیمائی نیز روز هفتم بهمن ماه دست به اعتراض زدند و با راهپیمائی و تجمع در برابر دفتر مدیر عامل، خواستار افزایش حقوق شدند.

اعتصاب معلمان همدان

معلمان همدان، در اعتراض به بی توجهی دولت به خواست های خود، از روز چهارم بهمن ماه، دست به اعتصاب زدند و بار دیگر خواستار تحقق مطالبات خود شدند. معلمان برای افزایش حقوق و اجرای نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت در سراسر کشور چندین بار دست به اعتراض و تجمع و اعتصاب زده اند، اما رژیم جمهوری اسلامی تاکنون از برآورده ساختن مطالبات حق طلبانه آنان سرباز زده است.

بیکارسازی و اخراج کارگران ادامه دارد

- با واگذاری کارخانه لوله سازی خوزستان، صاحبان جدید کارخانه از تامین مواد اولیه خود داری نموده و تولید در این واحد متوقف شده است. کارخانه لوله سازی خوزستان هم اکنون در آستانه تعطیلی است و کارگران آن شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند.

- کارگران شرکت "زرساب" همچنان بیکار و بلا تکلیف اند. بیش از پنج ماه است حقوق کارگران پرداخت نشده است. کارگران هر روز صبح وارد کارخانه می شوند و بعد از حضور و غیاب مجدداً کارخانه را ترک می کنند. کارگران نسبت به این وضعیت اعتراض دارند و در همین رابطه مکرر به اداره کار، فرمانداری، صنایع و معادن و دیگر نهادهای ذیربط مراجعه نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

- کارفرمای کارخانه صابون و گلیسیرین سازی (پاس) خرم شهر، که از مدت ها پیش تصمیم به اخراج کارگران گرفته بود، سرانجام یک لیست ۹۰ نفری از کارگران این کارخانه تحت عنوان نیروهای مازاد و "اخلالگر" اعلام نموده است و در صدد اخراج کارگران است.

- ۵۰۰ کارگر کارخانه "تازنخ" کماکان بلا تکلیف اند و دوماه است حقوق نگرفته اند. لازم به ذکر است که ۱۵۰ نفر از کارگران این کارخانه، از بیمه بیکاری استفاده می کردند که باید به سر کار باز می گشتند. اما همچنان بیکارند و کسی به خواست کارگران رسیدگی نمی کند.

- ۱۴ کارگر شاغل در شرکت پنبه کنی کشت و صنعت مغان از کار اخراج شدند. کارگران در اعتراض به این مسئله، به اداره کار پارس آباد شکایت کرده اند.

- در حالی که بیش از ۵۰۰ کارگر شرکت الکترونیک ایران - رشت همچنان بلا تکلیف و بیکارند، صاحبان این شرکت، تخریب سالن های تولید و انبار های شرکت را آغاز کرده اند. این شرکت از تیرماه سال ۸۲ به چهار نفر از سرمایه گذاران بخش خصوصی واگذار گردیده است. تخریب کارخانه در حالی صورت می گیرد که با کارگرن این کارخانه حتماً تسویه حساب هم نشده است. کارگران نه باز خرید شده اند و نه از مقرری بیمه بیکاری استفاده می کنند. - به استناد ماده ۹ قانون بازسازی و نوسازی صنایع، حداقل ۳۰۰ تن از کارگران کارخانجات کاشی و سرامیک و ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه یک و یک در لیست اخراج قرار گرفته اند. اکثر این کارگران بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند.

چند خبر کوتاه

- در اعتراض به عدم تامین خدمات شهری از قبیل امکانات درمانی، خدماتی، ورزشی و فرهنگی، گروهی از شهروندان "شهرخروین" از توابع نیشابور، در برابر مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند.

- یکی از کارگران "نساجی فومنت" در اثر شدت فشارهای اقتصادی و اجتماعی، در محل سالن تکمیل این کارخانه خود را حلق آویز کرد.

اما خوشبختانه کارگر دیگری توانست طناب را قطع کند و وی را از مرگ نجات دهد.

لازم به ذکر است که کارگران این کارخانه بیش از ۱۰ ماه است دستمزد نگرفته اند و تجمع اعتراضی آنان در هفته اول بهمن ماه، با سرکوب وحشیانه نیروهای انتظامی و یگان های ویژه روبرو گردید، که چند تن از کارگران به سختی مجروح شدند.

- کارفرمای کارخانه "نوب رکود" خراسان، بیش از سه ماه است دستمزد کارگران را نپرداخته است. این کارخانه توسط بخش خصوصی اداره می شود و ۱۰۰ کارگر دارد که اکثر آنها قراردادی هستند. کارگران نسبت به تعویق پرداخت دستمزدهای خود اعتراض نموده و خواستار پرداخت فوری آن شده اند.

نامه کارگران نساجی کردستان به اتحادیه های کارگری

جمعی از کارگران کارخانه نساجی کردستان - سنندج، طی نامه ای به تاریخ ۵ بهمن ۸۳ خطاب به کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری، اتحادیه های کارگری در سراسر جهان و گای رایدر، ضمن اشاره به اقدامات وزارت اطلاعات رژیم، پیرامون تحت فشار قراردادن کارگران کارخانه نساجی کردستان به ویژه احضارها و تهدید های مکرر نمایندگان کارگران، از این ارگان ها، طلب حمایت و پشتیبانی نموده اند. در نامه کارگران از جمله چنین آمده است "این فشارها به منظور این است که روحیه مارا بشکنند و توافقات ارگان های دولتی با کارگران را زیر پا بگذارند. ما همین جا اعلام می کنیم که یکپارچه و متحد از نمایندگان خود حمایت می کنیم و اگر این فشارها ادامه پیدا کند، راه دیگری نداریم جز این که دست به اعتصاب بزنیم و از همه کارگران و مردم سنندج و سراسر کشور و از سازمانهای کارگری جهان کمک خواهیم. خواست ما این است که این فشارها و احضارها پایان یابد و توافقات مدیریت و ادارات دولتی با کارگران فوراً عملی شود". کارگران در پایان نامه خود از سازمان های کارگری قدردانی نموده اند.

نامه سرگشاده گروهی از کارگران شرکت واحد

بنا به گزارش خبرگزاری کار ایران در ۱۴ بهمن ۸۳، گروهی از کارگران شرکت واحد تحت عنوان "هیئت مؤسس و احیای سندیکای کارگران شرکت واحد"، با انتشار یک نامه سرگشاده خطاب به رئیس جمهور، خواستار "بازگشائی" سندیکای خود شده اند. در این نامه ضمن اشاره به اذیت و آزار و تحت فشار قرار دادن "افراد پیگیر و خواستار تشکیل سندیکا" از جمله "احضار به دفاتر حراست و ایجاد رعب و وحشت و تهدید به اخراج و انتقال به نقاط دور دست"، از آقای خاتمی رئیس جمهوری اسلامی، درخواست شده است که از اجحافات و فشارها جلوگیری نماید و دستور لازم جهت تشکیل و بازگشائی سندیکای کارگران شرکت واحد را، صادر کند!

خلاصه ای از اطلاعاتی ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۱۳ بهمن ماه، سازمان با صدور اطلاعیه ای از تجمع اعتراضی کارگران کارخانه علاءالدین و اعتصاب کارگران معدن البرز حمایت کرد. در این اطلاعیه آمده است که کارگران علاءالدین در ادامه اعتراضات خود، روز سیزدهم بهمن ماه باتجمع در محل شرکت خواستار تحقق مطالبات خود شدند. مدیر این کارخانه بیش از یک ماه است کارخانه را ترک نموده و این واحد را عملاً به تعطیلی کشانده است. از سوی دیگر، صدها تن از کارگران معدن زغال سنگ البرز غربی در اعتراض به خصوصی سازی این معدن و خطر تعطیلی آن اعتصابی را آغاز نموده اند که تاکنون دوازده روز ادامه یافته است.

در اطلاعیه دیگری به تاریخ ۱۰ بهمن، بورش وحشیانه عمال سرمایه به صفوف کارگران نساجی فومنتا محکوم شده است. اطلاعیه با اشاره به تجمع اعتراضی کارگران نساجی فومنتا، در برابر کارخانه، می گوید که این تجمع اعتراضی موردیورش وحشیانه نیروهای سرکوب و یگانهای ضد شورش نیروهای انتظامی قرار گرفت. دست کم پنج تن از کارگران مصدوم و زخمی شدند که سه تن از آنان راهی بیمارستان گردیدند.

کارگران نساجی فومنتا نزدیک به دو سال است که با مشکلات عدیده ای روبرو هستند و چندین ماه است که دستمزد خود را دریافت نکرده اند. به علت تعطیلی کارخانه از سوی کارفرما، کارگران در بلاتکلیفی به سر می برند.

در تاریخ ۷ بهمن ماه، اطلاعیه ای تحت عنوان "اعتصاب کارگران نساجی ها و اعتصاب در معدن زغال سنگ البرز غربی" انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی فومنتا در ادامه اعتراضات خود، امروز نیز دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار مطالبات معوقه خود شدند. کارفرمای این شرکت بیش از دو ماه است دستمزدهای کارگران را نپرداخته است.

کارگران روز دوم بهمن ماه نیز جاده فومنتا-رشت را مسدود ساخته بودند. پلیس این تجمع اعتراضی کارگران را مورد یورش قرار داده بود. اطلاعیه می افزاید، همچنین ۵۰۰ کارگر کارخانه نساجی خوی در آذربایجان غربی که از سه روز پیش دست به اعتصاب زده اند، امروز موقتاً به اعتصاب خود پایان دادند. کارگران نسبت به قراردادهای کار و قانون پرداخت سنوات پایان خدمت اعتراض دارند.

اطلاعیه همچنین به اعتراضات و اعتصابات کارگران در معادن زغال سنگ البرز غربی اشاره دارد که ۶۰۰ تن از کارگران در اعتراض به و آگذاری معدن به بخش خصوصی از اول بهمن ماه دست از کار کشیده اند. در پایان اطلاعیه، سازمان ضمن محکوم کردن اقدامات ضد کارگری کارفرمایان و دولت، از مطالبات و مبارزات کارگران حمایت کرده است.

تشکیلات خارج کشور سازمان در اوائل فوریه اعلامیه ای تحت عنوان "اعتراض به سفر جورج بوش به آلمان" انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است: "جورج دبلیو بوش، نماینده انحصارات مالی- نظامی آمریکادر جهت پیشبرد مقاصد ضد بشری و جنایتکارانه خود و تشریک مساعی با دول اروپایی در تاریخ ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۰۵ به شهر ماینز آلمان سفر خواهد کرد."

این اعلامیه، سپس با اشاره به اهداف دولت آمریکا از این سفر در جهت رایزنی سیاسی و هماهنگی هر چه بیشتر سیاست های تاکتیکی کشورهای امپریالیستی در باره کشورهای خاورمیانه و افشای ماهیت ادعاهای آذیخوآهانه دولت آمریکا، همصدا با نیروهای مترقی آلمان نسبت به سفر جورج بوش به آلمان اعتراض نموده و از همگان دعوت کرده است که در اعتراضاتی که از سوی نیروهای کمونیست و طبقه کارگر آلمان انجام می گیرد، فعالانه شرکت نمایند.

تشکیلات خارج کشور سازمان همچنین با ارسال پیامی به تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست، ۲۶ بهمن سالروز تأسیس کومه له را تبریک گفته است.

در این پیام، گفته شده است: "گرم ترین دروهای رفیقانه مان را به مناسبت تأسیس کومه له تقدیم اعضای حزب کمونیست ایران، کومه له و فعالین، هواداران و پیشمرگه های آن می نمایم."

پیام سپس با اشاره به مبارزات سازمان در جنبش انقلابی مردم کردستان و تأکید بر این نکته که سازمان ما همواره در کنار نیروهای انقلابی و از جمله کومه له نقش خود را در جنبش مقاومت خلق کرد به روشنی نشان داده است، بر مبارزات کومه له و مبارزات رادیکال آن به ویژه در اوضاع کنونی منطقه ارجح می نهد. در پایان بار دیگر بر اتحاد نیروهای انقلابی و کمونیست به منظور پیشبرد مبارزه ای جدی در راه سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی یک نظام شورائی در ایران تأکید شده است.

کار آنها، همچنین با میزان هزینه ها و نیازهای زندگی شان مطابقت ندارد. در حالی که اکثر معلمان زیر خط فقر هستند و در حالی که حقوق های ناچیز پرستاران کفاف حتا اجاره خانه را هم نمی دهد، اما سرسپردگان به رژیم، آقا زاده ها، نورچشمی ها، سران ارگانهای سرکوب، نمایندگان مجلس ارتجاع، خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزراء و بسیاری از مقامات و مدیران دولتی، مشغول بچاپ بچاپ اند و حقوق های بسیار هنگفتی نیز می گیرند. تا آنجا که حتا رئیس مجلس ارتجاع نیز که درآمد و

شده، "مطابق استانداردهای بین المللی است!!" در بخش آموزش و پرورش نیز وضعیت بهتر از این نیست. در آنجا نیز علاوه بر وجود نارسائی های عمیق در زمینه سیاست گذاری ها و تعیین مواد درسی که همواره مورد اعتراض معلمان بوده است، کمبود نیرو و کمبود شدید امکانات آموزشی و پرورشی، اظهر من الشمس است. شغل معلمی و شغل پرستاری، در حالی که مشاغل دشوار و پرزحمت و در عین حال مشاغل بسیار مهمی محسوب می شوند، اما نه حقوق و در آمد معلمان و نه حقوق و در آمد پرستاران هیچکدام با میزان زحمات و ساعات

هنوز هیچک از مطالبات پرستاران و معلمان برآورده نشده است

دولتی بوده اند و در عین حال در معرض اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم قرار داشته اند، دروغ ها، فریبکاری ها و ترفندهای رنگارنگ آنها را نیز به خوبی شناخته اند و کوچکترین اعتماد و توهمی نسبت به آنان ندارند. پرستاران و معلمان مبارز، مدت هاست به این واقعیت پی برده اند که تنها در پرتو تداوم و تشدید مبارزات و اعتراضات متشکل خود هست که می توانند پذیرش برخی از خواست ها و مطالبات خود را بر رژیم تحمیل کنند. از همین روست که در اشکال متفاوتی از تجمع و تحصن گرفته تا اعتصاب و راهپیمائی، به مبارزات خود ادامه داده اند. صرف نظر از اعتصابات و اجتماعات اعتراضی متعدد معلمان و پرستاران در سال های گذشته، آنان تنها در ظرف مدت کوتاهی یعنی فقط در نیمه دوم دی ماه، چندین بار دست به اعتراض و تجمع زده اند. بیش از ۵۰۰ پرستار بیمارستان های خصوصی و دولتی شیراز، روز پانزده دی دست به اعتراض و تجمع زدند. پنج روز بعد، یعنی بیستم دی، صدها تن از پرستاران تهران به نمایندگی از دهها هزار پرستار، در سراسر کشور، در برابر مجلس دست به تحصن و تجمع زدند. ۲۹ دی و در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست ها و مطالبات خود، باردیگر پرستاران در تهران دست به اعتراض زدند و به رغم عدم صدور مجوز برگزاری تجمع، در برابر سازمان مدیریت و برنامه ریزی، اجتماع اعتراضی برپا نموده و خواستار تحقق مطالبات خود شدند.

بسیاری از معلمان و فرهنگیان کشور، از جمله معلمان همدان، معلمان و فرهنگیان قزوین نیز طی همین مدت دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. جمعی از معلمان تهران و اعضای کانون های صنفی و فرهنگیان سراسر کشور نیز روز ۲۷ دی دست به اعتراض زده و با تجمع در برابر مجلس، برای چندمین بار خواستار تحقق مطالبات خود شدند و بدین ترتیب به طور متوسط هر پنج روز دوبار، یک بار پرستاران و یک بار معلمان دست به اعتراض و تجمع زده اند و در تمام این آکسیون های اعتراضی، به طرح خواست ها و مطالبات خود پرداخته اند.

خصوصی سازی بهداشت و درمان، کمبود پرسنل پرستاری، وضعیت وخامت بار درمانی کشور بی توجهی دولت به امور درمانی و سلامتی مردم، از جمله مواردی است که همواره مورد اعتراض پرستاران بوده است. اوضاع بهداشتی و درمانی به قدری وخیم و کمبود امکانات بهداشتی و درمانی آنقدر آشکار است که انجام حتا یک عمل زایمان طبیعی هم با خطر جانی توأم است تا آنجا که یک نماینده مجلس ارتجاع هم به این مسئله اشاره می کند. نماینده ماکو چنین اعتراف می کند که ظرف یک ماه سه زن، هنگام زایمان در بیمارستان فجر شهرستان ماکو جان خود را از دست داده اند. آن گاه وزیر بهداشت رژیم درست در همین مقطع کیفیت ارائه خدمات بهداشتی را از "افتخارات" جمهوری اسلامی می داند و می گوید کیفیت خدمات ارائه

هنوز هیچیک از مطالبات ...

دریافتی اش با دریافتی معلم و پرستار قابل قیاس نیست، به یکی از این نمونه ها و فاصله عظیم میان درآمد ها در سطح کارکنان دولتی اشاره و اعتراف می کند و می گوید: «بعضی از مدیران در برخی ادارات، پاداش سالانه شان از حقوقی که معلمان در همه عمر می گیرند، بیشتر است»!!

معهدا علی رغم این واقعیات و اعترافات که از شدت وخامت اوضاع برزبان رانده می شود و بیانگر فقر و محرومیت این اقشار زحمتکش و در عین حال بازتاب دهنده نابرابری های عمیق اقتصادی و اجتماعی است، و علی رغم این که معلمان و پرستاران در اعتراض به ناچیز بودن دریافتی ها و برای افزایش حقوق، کاهش فشار و ساعات کار، ارتقای شغلی، رفع تبعیض و هماهنگ شدن نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت بارها دست به تجمع و تحصن و اعتصاب زده اند، اما تاکنون هیچیک از خواست های آنان بر آورده نشده است. این در حالیست که بر درآمد دولت هم نسبت به سال گذشته افزوده شده است. درآمد دولت در شش ماهه اول سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، تنها از محل صدور نفت بیش از ۲۷ در صد افزایش یافته است.

تجربه یک ربع قرن حاکمیت جمهوری اسلامی، بر این واقعیت صحنه می گذارد که تا این رژیم ارتجعی برسر کار است، هیچگونه بهبود اساسی در وضعیت توده های مردم زحمتکش ایجاد نخواهد شد. دولت نیز نقش دیگری جز سرکوب و انقباد مردمان زحمتکش ندارد. دولت خاتمی نیز به سبب دولت های پیشین، درآمدها و ثروت های جامعه را، اساسا به سود اقشار و طبقات مرفه و ممتاز و در جهت تامین منافع طبقه حاکم هزینه می کند. رژیم جمهوری اسلامی، یک رژیم ضد مردمی و پاسدار منافع سرمایه داران، مالکین، تجار و سایر مرتجعین است. بهبود اساسی و تغییرات پایه ای به نفع زحمتکشان، در گرو براندازی این رژیم و سلب ید از طبقه حاکم است. مادام که حکومت اسلامی برسر کار است، تنها در سایه گسترش اعتراضات و تشدید مبارزه متشکل است که می توان پذیرش مطالبه ای را بر آن تحمیل نمود.

بخش زیادی از مطالبات معلمان و پرستاران مشابه اند. جریان واقعی مبارزه و رویارویی با رژیم، این دو قشر زحمتکش جامعه را تا حدود زیادی به هم نزدیک تر ساخته است. تردیدی نیست که معلمان و پرستاران، حول خواست های مشترک می توانند اعتراضات و اعتصابات خویش را هماهنگ سازند. از اعتراضات، خواست ها و اعتصابات یکدیگر فعالانه حمایت کنند و میان خود پیوند و رابطه ایجاد کنند. در ایجاد و تعمیق پیوند و رابطه میان این دو جنبش اعتراضی و هماهنگ سازی اعتراضات و اعتصابات، وظیفه مهمی بر دوش نیروهای آگاه، پیشروان و فعالین این جنبش ها قرار دارد. وقت آن است که چنین پیوندهائی را برقرار و مستحکم سازیم. با حمایت و پشتیبانی فعال از دیگر جنبش های اعتراضی به ویژه جنبش اعتراضی کارگران، اعتراضات گسترده تری را علیه رژیم سازمان دهیم.

فشار سیاسی - تبلیغاتی دولت آمریکا بر جمهوری اسلامی

هدف سران دولت آمریکا در شرایط کنونی نه تلاش برای اقدام نظامی و یا سرنگون کردن جمهوری اسلامی، بلکه اعمال فشار سیاسی و احتمالا پیشبرد مسائلی است که آمریکا و اروپا، در قبال جمهوری اسلامی نقطه نظرات مشترکی دارند.

قدرت های اروپائی و آمریکائی، همگی با تبدیل شدن جمهوری اسلامی به یک قدرت هسته ای در منطقه خاور میانه مخالف اند. آنها خواهان توقف هرگونه فعالیت هسته ای این رژیم اند. دولت آمریکا با تهدیدات نظامی و فشارهای تبلیغاتی- سیاسی، در واقع می کوشد، موضع دولت های اروپائی را در مذاکرات هسته ای با جمهوری اسلامی تقویت کند و راه دیگری جز پذیرش خواست آمریکا و اروپا برای آن باقی نگذارد.

مسئله دیگر فعالیت تروریستی رژیم جمهوری اسلامی و حمایت مالی، نظامی و سیاسی آن از گروه های اسلامگرا به ویژه در لبنان و فلسطین است. اروپا و آمریکا برسر این مسئله نیز اتفاق نظر دارند که باید جمهوری اسلامی را وادارند، دست از اقدامات تروریستی و حمایت از تروریستهای اسلامگرا بردارند و فعالیت های خود را در لبنان و فلسطین متوقف سازند. این مسئله به ویژه در شرایطی که آمریکا می خواهد میان سران اسرائیلی و فلسطینی نوعی سازش برقرار کند، دارای اهمیت جدی است. این نیز یکی دیگر از اهداف فشارهای سیاسی اخیر دولت آمریکا به جمهوری اسلامی است. البته تضادهای دولت آمریکا با جمهوری اسلامی محدود و مشروط به مسائل فوق الذکر نیست. دولت آمریکا برسر مسئله افغانستان و عراق نیز تضادها و درگیری هایی با جمهوری اسلامی دارد. از آن مهمتر، گرچه پیشرفت استراتژی آمریکا در خاور میانه عجالتا به موانعی برخورد کرده است، اما این به آن معنا نیست که آمریکا این استراتژی را کنار نهاده است. برای تحقق این استراتژی در منطقه، ایران یک حلقه محوری است که آمریکا به سادگی از آن نخواهد گذشت. لذا با تغییر شرایط، آمریکا مجددا اقدام خواهد کرد و این مسئله منجر به تشدید تضاد آن با جمهوری اسلامی خواهد شد. آمریکا که اکنون در موقعیتی نیست تا بتواند کل سیاست های خود را در ایران پیش ببرد، می کوشد بخشی از این سیاست ها را که در واقع اجزائی از سیاست منطقه ای آمریکاست، به دست قدرت های اروپائی پیش ببرد. اگر قدرت های اروپائی در پیشبرد این سیاست توفیق یابند، آمریکا از این بابت که لاقبل بخشی از اهداف منطقه ای آن پیش رفته است، سود خواهد برد. اما چنان چه قدرت های اروپائی در پیشبرد این سیاست ناموفق باشند، در آن صورت نیز آمریکا از آن به نفع خود استفاده خواهد کرد و تلاش خواهد نمود لاقبل برخی قدرت های اروپائی را برای اقدامات جدی تر، به تبعیت از سیاست های خود وادار نماید. هرچه پیش آید، جمهوری اسلامی عجالتا زیر فشار سیاسی آمریکا قرار خواهد داشت.

اروپائی بود، و تشدید تضادهای آنها، به وضوح این واقعیت را نشان داد.

قدرت های اروپائی رقیب آمریکا که در جریان اشغال نظامی عراق، در موقعیتی قرار نداشتند که با قدرت نظامی خود، به عنوان یک عامل بازدارنده آمریکا عمل کنند، کوشیدند که آمریکا را از نظر سیاسی در سطح بین المللی منفرد کنند. برای پیشبرد این سیاست نیز از وسائل و روش های متعددی استفاده نمودند. همان گونه که امپریالیسم آمریکا نمی گوید برای سلطه انحصاری بر بازارهای منطقه خاور میانه به جنگ و لشکر کشی نظامی متوسل شده است، بلکه مدعی است که می خواهد مردم این کشورها را از شر رژیم های استبدادی رها سازد و آزادی و دموکراسی به آنها بدهد، قدرتهای امپریالیست رقیب آمریکا نیز نمی گویند که نزاع آنها با آمریکا برسر سهمی است که از بازارهای منطقه می خواهند، بلکه خود را اساسا مخالف لشکر کشی نظامی و جنگ و کشتار دولت آمریکا معرفی نمودند. و به مردم جهان گفتند که مخالفت آنها با آمریکا، از زاویه مخالفت با جنگ، یک جنبه گرانی و خودسری آمریکا و تضعیف سازمان ملل و نادیده گرفتن نظر و رأی جامعه جهانی است. البته بر هر فرد آگاهی روشن است که در پس این موافقت و مخالفت دو بلوک مهم امپریالیستی جهان با اعمال زور و جنگ، منافع اقتصادی انحصارات جهانی نهفته است. همین منافع اقتصادی است که ایجاب می کند، امپریالیسم فرانسه مخالف جنگ و مداخله نظامی در عراق، خود، هم زمان با آن در کشورهای آفریقائی به جنگ و مداخله نظامی متوسل شود.

به هر حال، آن چه که به موفقیت سیاست قدرت های اروپائی در قبال مسئله عراق یاری رساند، ناکامی های پی در پی آمریکا در عراق و برملا شدن ضعف های آن بود. از همین روست که اکنون می بینیم، یکی از سرسخت ترین مخالفین بلوک اروپائی در دولت آمریکا، به اروپا پناه آورده، از سران قدرت های اروپائی می خواهد، اختلافات گذشته برسر عراق را به فراموشی بسپارند و به اتحاد پیشین رضایت دهند.

در چنین اوضاعی بیهی است که موضع گیری های شدید سران دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی نیز بیشتر یک بازی دیپلماتیک و فشار سیاسی است و نه مسئله ای جدی. چرا که اولاً- دولت آمریکا در موقعیتی نیست که بتواند یک لشکر کشی نظامی به ایران را سازمان دهد. البته عملیات نظامی ایدائی و حتا بمباران برخی تأسیسات نظامی و اتمی رژیم مسئله دیگری است که احتمال آن را نمی توان انکار کرد. ثانیاً- بازار ایران در سلطه انحصاری قدرت های امپریالیست اروپائی است و همین قدرت ها، تاکنون با دهها توجیه و تفسیر از جمهوری اسلامی و بقای آن حمایت کرده اند. حالا درست در لحظات و تضادهای خود را با رقبایش تحقیف دهد، با هیچ منطقی جور در نمی آید که بخواد به اقدام جدی نظامی علیه جمهوری اسلامی دست بزند.

فشار سیاسی - تبلیغاتی دولت آمریکا بر جمهوری اسلامی

جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی سالانه خود در کنگره آمریکا، جمهوری اسلامی را بزرگترین حامی تروریسم در جهان خواند و گفت که این رژیم، برای دستیابی به سلاح هسته ای تلاش می کند و مردم ایران را از آزادی محروم کرده است. وی با لحن آمرانه ای خطاب به سران جمهوری اسلامی از آنان خواست که برنامه غنی سازی اورانیوم و هر نوع فعالیت بازپزدازش پلوتونیوم را کنار بگذارند و حمایت از تروریسم را متوقف سازند. او در عین حال کوشید که خود را مدافع مردم ایران و خواست های آنها معرفی نماید و ادعا کرد که آمریکا در مبارزه مردم ایران برای کسب آزادی در کنار آنها خواهد ایستاد.

در سفر رئیس جدید دیپلماسی آمریکا، کاندولیزا رایس به اروپا نیز، مسئله جمهوری اسلامی ایران و موضع آمریکا در قبال آن، یکی از محورهای گفتگوی وزیر خارجه آمریکا با سران دولت های اروپائی بود. مطبوعات اروپائی این مسئله را چنان برجسته نمودند که مصاحبه مطبوعاتی رایس در لندن، عمدتاً حول مسئله جمهوری اسلامی و چگونگی برخورد دولت آمریکا با آن، متمرکز شد.

رایس، در پاسخ سوالات متعدد خبرنگاران در مورد احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران، تقریباً از همان شیوه بیان دیپلماتیک و دوپهلوی استفاده کرد که سران دولت آمریکا، پیش از آغاز حمله نظامی به عراق، آن را به کار برده بودند. در آن ایام، سران دولت آمریکا همواره می گفتند که هنوز جنگ در دستور کار قرار نگرفته است. رایس، در مورد احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران نیز از همان شیوه ابهام آمیز و دوپهلوی استفاده کرد و گفت، فعلاً این مسئله در دستور کار دولت آمریکا قرار ندارد و ما با متحدین اروپائی خود برای حل مسائل از طریق دیپلماتیک تلاش می کنیم. او در ادامه افزود که اما این تلاش، دیپلماتیک باید نتیجه داشته باشد. معنای ضمنی این موضع گیری می تواند چنین باشد که اگر این تلاش دیپلماتیک نتیجه مطلوب آمریکا را در پی نداشته باشد، آری، ممکن است.

اما آیا واقعا آمریکا امروزه در موقعیتی ست که بتواند آغازگر جنگی جدید در خاور میانه و آن هم در ایران باشد و یا صرفاً یک بلوف سیاسی ست؟

گرچه در ظاهر، شباهتی میان دو موضع گیری، فوق الذکر وجود دارد، اما محتوای آنها به هیچ وجه یکی نیست. در مورد عراق، این موضع گیری، هم بیان قدرت آمریکا و هم تلاش آن برای آغاز جنگ بود، اما در مورد اخیر صرفاً بازتابی از ضعف قدرت آمریکاست. چرا که فاقد هرگونه زمینه و پشتوانه عینی ست.

در این مسئله تردیدی نیست که امپریالیسم آمریکا اهداف اقتصادی و سیاسی - نظامی دراز مدتی را در منطقه خاور میانه واز جمله ایران تعقیب می کند. اگر تا پیش از اشغال نظامی

عراق، سران دولت آمریکا می کوشیدند مقاصد و اهداف واقعی شان را از بر افروختن جنگ پنهان سازند، آنها، اکنون خودشان آشکارا این هدف را در استراتژی ایجاد "خاور میانه بزرگ"، اعلام نموده اند. این خاور میانه بزرگ آمریکا، نام رمزی ست برسلسله انحصاری امپریالیسم آمریکا بر بازاری که از یک سو به شبه قاره هند و آسیای مرکزی و از سوی دیگر به آفریقا متصل می گردد.

بدیهی ست، همان گونه که تاکنون نشان داده شده است، مواعی برسر راه پیشبرد این استراتژی و تحقق اهداف آمریکا وجود دارد. مانع اصلی، مخالفت توده های مردم منطقه است که به اهداف توسعه طلبانه امپریالیستی آمریکا آگاهی دارند. این مانع را در آغاز، دولت آمریکا دست کم گرفته بود و تنها، پس از اشغال عراق، با ابعاد واقعی آن روبرو گردید. مانع دیگر مخالفت برخی از دولت های منطقه ای ست که هر یک دلایل خاص خود را دارند. برخی وابسته به بلوک بندی های رقیب امپریالیسم آمریکا هستند. برخی، بقایانی از تضادهای دوران جنگ سرداند و بالاخره تعدادی نیز به هر علتی هنوز نتوانسته اند خود را با سیاست های کنونی آمریکا هماهنگ سازند. این مانع، به رغم این که عمل می کند، اما مانعی جدی نیست. چرا که این دولت ها اغلب شان در گذشته مورد حمایت خود آمریکا بوده و اساس موجودیت شان با این حمایت گره خورده است. سوای این، آنها نه از توان رویارویی با آمریکا برخوردارند و نه از حمایت توده مردم در کشور خود بهره مند هستند. بالاخره، مانع بزرگ دیگری که در برابر استراتژی خاور میانه بزرگ آمریکا قرار دارد، منافع متضاد قدرت های امپریالیست رقیب، در منطقه خاور میانه است.

امپریالیسم آمریکا، از همان آغاز کوشید با تکیه بر قدرت و برتری اقتصادی و نظامی خود بر این موانع غلبه کند. توسل به زور و نیروی نظامی در تحقق اهداف این استراتژی، نقش محوری دارد. از همین رو، آمریکا حمله نظامی به عراق را به رغم تمام مخالفت ها و موانع، سازمان داد و بر این پندار بود که با ارائه این نمونه، همه را به تبعیت وادارد و موانع را راحت تر از سر راه بردارد. اما این نمونه، موفق از کار در نیامد و بالعکس به عاملی در تضعیف قدرت آمریکا تبدیل شد.

قدرت های رقیب امپریالیسم آمریکا به ویژه قدرت های اروپائی که منافع اقتصادی معینی در این منطقه دارند و سهام دار بخشی از این بازار هستند، از همان آغاز به مخالفت با این استراتژی آمریکا و سیاست های آن برخاستند. چرا که نمی خواستند سهم خود را از بازارهای منطقه از دست بدهند.

نزاع اروپا و آمریکا برسر مسئله عراق که تا پیش از این عمدتاً بازاران در اختیار قدرت های

در صفحه ۷



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany
آلمان

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark
دانمارک

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland
سوئیس

A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France
فرانسه

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada
کانادا

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaians (Minority)
No. 447 february 2005

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی